

وزین دختر شاه ناموران
 پر اندیش کشتی بدگیر کران
 رخسار سخن چون بدین گوشت
 بر آتش کی را باید گذشت
 چنین است سوگند چرخ طینه
 که بر بی گناگان نیاید گزند
 جهاندار سودابه را پیش خواند
 همی با سیاوش به گفتن نشاند
 مرا انجام گفت ایمن از خسروان
 نه کرده مراد دل نه روشن روان
 مگر کاتش تیز پیدا کند
 کس کرده را زود رسوا کند
 چنین پاسخ آورد سودابه پیش
 که من راست گویم به گفتار خویش...
 سیاوش را کرد باید دست
 که این به بگرد و تباہی به گشت
 به پور جوان گفت شاه زمین
 که رایت چه جیند کنون اندرین؟
 سیاوش چنین گفت کای شهباز
 که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار
 اگر کوه آتش بود پریم
 ازین تنگ خوار است اگر بگذرم
 پر اندیش شد جان کاووس کی
 ز فرزند سودابه سیکن پی

کزین دو سیکه کر شود نابکار	از آن پس که خواند مرا شرمیاری؟
چو فرزند وزن باشد م خون و مغز	که رایش بیرون شود کار نغزانی
همان به کزین زشت کردار دل	بشویم کسب چاره می دل کسل
چه گفت آن سپیدار نیکو سخن	که بآب دلی شش یاری نکن
به دستور فرمود تا ساروان	بیون آورد از دشت بصد کاروان
بیونان به سیزم کشیدن شدند	بمه شمر ایران بدیدن شدند
بصد کاروان اشتر سرخ سوی	همی سیزم آورد پر خاش جوی
نهاد نذر دشت سیزم دو کوه	جصفانی نظاره شد بجم کرده
گذر بود چندان که گوی سوا	میان برفی پتکی چچان
بدان گاه سوکنه پر مایه شاه	چنین بود آیین و این بود راه
وز آن پس بود بفرمود شاه	که بر چوب ریزند گفت سیاه
بیاید دو صد مرد آتش فروز	دمیدند کشتی شب آمد به روز

نخستین دمیدن سیه شد زود	زبان بر آمد پس از دود زود
زمین گشت روشن تر از آسمان	جھانی خردشان آتش دمان
سراسر همه دشت بریان شدند	بر آن چرخندانش گریان شدند
سیادش سیاه پیش پر	یکی خود ز زمین نمشاده به سر
شوارو با حسامه نامی سپید	بسی پر زنده دلی پر امید
یکی تازی امی بر نشسته سیاه	همی خاک نعلش بر آمد به ماه
پراکنده کافور بر خوشترین	چنان چون بود رسم ساز کفن
بدانکه شد پیش کادوس بان	فرو داد از باره بر دوش نماز*
رخ شاد کادوس پر شرم دید	سخن گفتش با پس زرم دید
سیاوش بد گفت اندد مداد	کزین سان بود کردش روزگار
سر پر شرم و بهانی مراست	اگر بی کنایم بر ثانی مراست
در آیدون که زمین کار بستم کناد	جھان آفرینم ندارد نگاه



کوزین کود آتش نیامش*
 غم آمد جبهان را از آن کار بهر
 نشد کشت دل جنت آتش باخت

بسیه وی یزدان نیکی ویش
 خروشی بر آمد ز دست و ز شر
 سیاوش سیه ابتمدی باخت

کسی خود واسپ سیاوش نید	ز بس سوزبان سب بر کشید
که تا او کی آید ز آتش برون	یکی دشت با دیدگان پر ز خون
که آمد ز آتش برون شاه نو	چو او را بیدند بر خاست غم*
که گفهی مسمن داشت اندر کنا	چنان آمد اسپ و قبا می سوا
دم آتش و آب یک سان بود	چون خشایش پاک یزدان بود
خروشیدن آمد ز شرور دشت	چو از نو د آتش بامون گذشت
بعد دشت پیش دم ریختند	سواران شکر بر آنختند
میان کسان و میان همان	یکی شادمانی بد اندر جهان
که بنمود بر سبب کند دادگر	همی داد مرده سیکر را و گر
همی ریخت آب و همی خست روی	همی کشد سودا به از خشم روی
ز دود دین آتش نه کرد و نه خاک	چو پیش پر شد سیاوش پاک

فرود آمد از اسپ کاووس شاه
 سیاوش را اسانت در بر گرفت
 سیاوش سپید پاسبان
 ز کردار پند پوشش اندر گرفت
 شهبازی فرودین چاپ کشم. ج ۳، ص ۳۰۰

توضیحات:

- ۱- موبد در این جا به معنی روحانی مشاور در امور سلطنت است.
- ۲- اگر می‌خواهی حقیقت آشکار شود، باید به آزمایش و امتحان (سیاوش یا سودابه) پردازی.
- ۳- هر چند فرزند (سیاوش) عزیز است اما بدگمانی نسبت به او دل شاه را آزرده خواهد کرد.
- ۴- کی کاووس پس از این که شاه هاماوران را شکست می‌دهد، علاوه بر گرفتن باج و خراج، دخترش سودابه را نیز به همسری می‌گیرد. در مصرع دوم، به دیگر کران یعنی از طرف دیگر.
- ۵- روبه رو کرد.
- ۶- روشن و مشخص سازد.
- ۷- باید سیاوش را اصلاح و تنبیه کرد. (جمله از زبان سودابه است.)
- ۸- اگر قرار بر عبور از میان آتش باشد، برای من آسان است.
- ۹- دیگر برای کسی چیزی عجیب‌تر از این خواهد بود؟ (کاووس در گفت و گو با خود به کنایه و تمسخر می‌گوید: از این بدتر هم می‌شود؟)
- ۱۰- فضای خالی بین دو کوه هیزم به اندازه‌ای بود که چهار نفر سوار به سختی می‌توانستند از آن عبور کنند.
- ۱۱- در آن زمان (زمان کی کاووس)، راه و رسم شاهان در تشخیص خطاکار از درست کار این گونه بود؛ زیرا به اعتقاد آنان، آتش پاک و مقدس بود و هرگز انسان‌های پاک را نمی‌سوزاند!
- ۱۲- همه‌ی مردم غمگین شدند.

خودآزمایی:

- ۱- زمینه‌هایی را که نشان دهنده‌ی حماسی بودن گذر سیاوش از آتش است، بیان کنید (با توجه به درآمد درس).
- ۲- فردوسی، آماده شدن سیاوش را برای گذر از آتش چگونه توصیف می‌کند؟
- ۳- واکنش مردم در هنگام رفتن سیاوش به سمت آتش چه بود؟
- ۴- دو نمونه از مبالغه‌های زیبایی فردوسی را در متن پیدا کنید.
- ۵- مفهوم عبارت «که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار» چیست؟
- ۶- سیاوش در چه صورت خود را نجات یافته می‌داند؟
- ۷- سرنوشت سودابه با توجه به سرانجام تلخ و دردناک سیاوش چه شد؟ در این باره تحقیق کنید.
- ۸- با توجه به درس، شخصیت کاووس شاه را چگونه می‌یابید؟